

«ایران»، فهم توسعه‌ای از ارتباطات

دفاع می‌کنند. اگر دوستان علاقه‌مند باشند، می‌توانند به مفاهیمی مانند HyperReality در نظریات ژان بودریار مراجعه کنند. این اصطلاح را به چند گونه به فارسی ترجمه کرده‌اند. فراواقعیت، فزون واقعیت و حاد واقعیت از نمونه ترجمه‌های آن است. در این میان، احتمالاً حاد واقعیت یا واقعیت تشدید یافته با مراد بودریار سازگاری بیشتری داشته باشد. چنان که حاد واقعیت غیاب و نبود امر واقعی را پنهان می‌سازد. کسی متوجه این جابه‌جایی و این پنهان‌کاری نیست. در این حالت، حاد واقعیت، واقعی‌تر از امر واقعی می‌شود. به بیان دیگر، چنان ماهرانه جایش را اشغال می‌کند که واقعی‌تر از خود آن جلوه‌گری می‌نماید. یا مفهوم Regimes Of Truth (رژیم حقیقت یا دانش و گفتمان‌هایی که جامعه می‌پذیرد و افراد را به تشخیص گزاره‌های حقیقی از گزاره‌های کاذب قادر می‌سازد) که توسط میشل فوکو مطرح شده و نگاه خاصی از منظر رابطه قدرت و رسانه از آن می‌توان بیرون کشید. اما نکته مهم اینکه الان همراستایی برخی از رسانه‌ها با مطامع فاسد و رانتی را هم مشاهده می‌کنیم که این رسانه‌ها در آن راستا مسائل بسیار کم اهمیت را به‌طور غیرعادی بزرگ می‌کنند و بالعکس دست به کوچک‌اندک‌سازی موارد بسیار مهم می‌زنند. این اقدامات در جهت منافع غیرمولد و فاسدها و زورگواهاست و یکی از اسفبارترین معضلاتی است که در حوزه رسانه در حال تجربه آن هستیم. از این رو باید بگوییم که چشم امید ما به آن خبرنگاران و اهالی حرفه‌ای رسانه است که از جاه و مال دل می‌کنند و شرافتمندانه در مسیر توسعه کشور قدم برمی‌دارند. امیدواریم که در دوره جدید روزنامه ایران هم به سهم خود تلاش کند که این نیروی اجتماعی اصیل و شرافتمند را تقویت کند و این فهم را هم منعکس کند که در بلندمدت فریبکاری به زیان فریبکاران و فاسدها هم تمام می‌شود. این فهم که به آن «فهم توسعه‌ای از ارتباطات» می‌گوییم می‌تواند نجات‌دهنده ایران باشد.



فرشاد مؤمنی
اقتصاددان

۳۰ سال از انتشار روزنامه «ایران» می‌گذرد؛ روزنامه‌ای که به عنوان رسانه دولت شناخته می‌شود و بنابراین همواره کوشیده با نگاهی جانبدارانه به فضای فعالیت‌های دولتی وارد شود. واقعیت این است که روزنامه ایران در این زمینه فراز و فرودهای خیلی سنگینی را تجربه کرده است. چرا که با تغییر و تحولاتی که در سطح دولت صورت گرفته، نگاه به رسانه ارگان دولت نیز عوض شده است. در دوره‌هایی شاهد بودیم که این روزنامه با اینکه به نوعی برجسب «روزنامه دولت» را حمل کرده، عملکرد حرفه‌ای و شرافتمندانه‌ای داشته؛ اما در برهه‌هایی دیگر نیز نگاه متفاوتی در پیش گرفته که بیش از هر چیز واقعیت ماجراها را قربانی کرده و به مصلحت خود رانت، فساد و بیکه‌سالاری را در دستور کار قرار داده است. بنابراین صدور یک حکم واحد برای این دوره ۳۰ ساله به نظر من دقیق و عالمانه نیست. اما اعتقاد من برای این است که در یک ساختار رانتی که کشور را فرا گرفته است؛ تولد هر رسانه‌ای ارزش نفس‌آمری دارد. یعنی اینکه به خودی خود وجود یک رسانه در ساختاری که در آن فساد وجود دارد؛ مهم است. چون بهانه‌ای است برای تاباندن نوری بر حقیقت و آنچه که در جامعه می‌گذرد. اما این مهم در حد وسیع اصحاب آن رسانه و نگاه مدیران آن رسانه صورت می‌گیرد. یک رسانه ممکن است بنا به مصلحت خود رویکرد متفاوتی را در پیش بگیرد؛ اما قطعاً در دوران تاریک عمر روزنامه‌ها نیز سطوحی از این تاباندن نور وجود داشته و به اعتقاد من این امید وجود دارد. نکته‌ای که اهمیت وافری دارد، شرایطی است که در عرصه رسانه طی یک دهه اخیر رخ داده است. در سال‌های اخیر به یک گرفتاری بزرگ‌تر رسیدیم و آن هم این است که رسانه‌های غیردولتی ما نیز به تسخیر مافیاهای مبتنی بر پول و زور درمی‌آیند. با همین نگاه عموماً این گونه رسانه‌ها هستند که الان بزرگ‌ترین تهدید برای فهم واقعیت و حقیقت در ایران هستند. البته خود این موضوع و چگونگی به تسخیر درآمد برخی از رسانه‌ها توسط مافیای پول و زور خود بحث مفصلی است و نیاز به مجالی جداگانه و دقت نظر از طریق واکاوی چگونگی شکل‌گیری چنین موج رسانه‌ای دارد که به حقیقت پشت کرده و از رانت

✓ چشم امید ما به آن خبرنگاران و اهالی حرفه‌ای رسانه است که از جاه و مال دل می‌کنند و شرافتمندانه در مسیر توسعه کشور قدم برمی‌دارند. امیدواریم که در دوره جدید روزنامه ایران هم به سهم خود تلاش کند که این نیروی اجتماعی اصیل و شرافتمند را تقویت کند و این فهم را هم منعکس کند که در بلندمدت فریبکاری به زیان فریبکاران و فاسدها هم تمام می‌شود. این فهم که به آن «فهم توسعه‌ای از ارتباطات» می‌گوییم می‌تواند نجات‌دهنده ایران باشد